

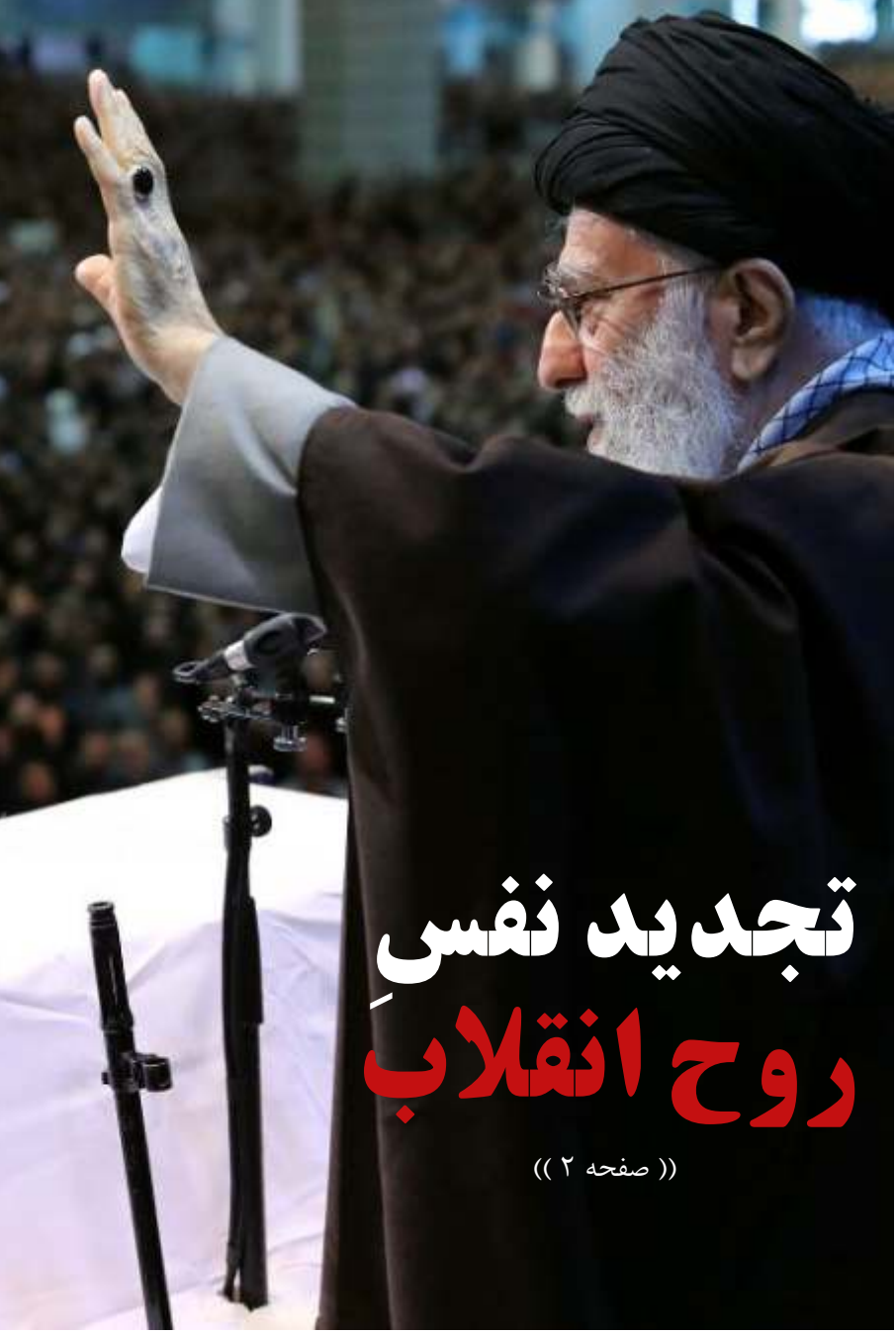
در فتنای خود صادق تر شدند

سخت سردبیر
مرضیه انبری

در حالی که آواز برهم خوردن شمشیرها نوید نصرت و پیروزی قطعی را به مسلمانان میداد اما وجود شیخ نفرت انگیز غرور بر لشکرکریان سایه انداخت و کارزار احد را که قرار بود با فتح الفتوح پشت سر بگذارند هراسان ترک کردند و جسم زخمی رسول الله (ص) توسط یکی از زنان صحابی و علی بن ابی طالب به مدینه بازگردانده شد در حالی که بر تمام مصائب مسلمانان داغ شهدای احد و حمزه سیدالشهدا هم افزوده شده بود ...

حال و هوای این روزهای کسانیکه صبحگاه زیر تابوت فرماندهای مویه می کنند و شامگاه در محاسبه ی ثمرات مادی عزاداری خلق الله به شب بیداری می نشینند بی تفاوت با حال و هوای جنگ احد نیست، درحالی که در زمانه ای بسیار دور از غزوات پیامبر(ص) زندگی می کنیم و فتنه ها دیگر امانی برای تنفس و تجدید قوا باقی نگذاشته است و اشک ریزان در میان سراسر پرده ی سیاه این روزهای ایران نصرمن الله و فتح القریب را زمزمه می کنیم چرا که شهادت های پی در پی از جنس جان و آبرو در این روزها حکایت از سیاه ترین لحظه ی شب و سپس طلوع سپیده ی صبح دارد. روزگاران گذشته نیز رنج نامه ها گفته و سروده بودند از آزادگان این کهن سرزمین که به فنا فی الله رسیدند. در ادبیات ایرانیان حضرت مولانا در دفتر اول مثنوی معنوی پس از قصه ی فراق و عشق حکایت پادشاهان جهود را بازگو می کند که آمال آن ها در ایجاد فتنه ها بین طوایف و ادیان بود. روزگاری پادشاهی جهود بتی بر پای کرد و نهیب زد که سرپیچی از سجده به این بت عاقبتی جز آتش در پیش نخواهد داشت و خلق ترسان سجده ها می کردند تا روزی که یکی از بی گناهان این قوم میانه ی آتش زبان باز کرد که گلستان اینجاست و جهنم دنیایی که باید به بت ها سجده کرد و بعد از آن بود که انقلابی از جنس سوختن در مقابل پادشاه جهود آغاز شد که آبی یارای خاموشی آن نباشد.

خلق خود را بعد از آن بی خویشتن می فکندند آندر آتش مرد و زن تا چنان شد کن عوانان خلق را منع می کردند: کاتش در میا" آن یهودی شد سیه رو و خجل شد پشیمان زین سبب بیمار دل کندر ایمان خلق عاشق تر شدند در فتنای جسم صادق تر شدند مکر شیطان هم درو پیچید شکر دیو هم خود را سیه رو دید شکر سی و یکمین شماره از بی تعارف تقدیم دیدگان اشکبار اما امیدوار شما.



تجدید نفس روح انقلاب

((صفحه ۲))

از درد لاعلاجی به خر میگن خانمباجی
بررسی دخل و خرج های یکساله در لایحه ای که قرار است اقتصاد کشور را مدیریت کند!
((صفحه ۳))

تشویق به یک استعفای شوم
چه کسانی دولت را تشویق به استعفا می کنند؟
((صفحه ۵))

تعیین سر نوشت
دلسردی برخی آحاد جامعه از شرکت در انتخابات
((صفحه ۸))

تجدید نفس روح انقلاب

شکوفه الهی نیا



در سال ۲۰۱۲ میلادی در حالیکه جهان در تکاپوی یافتن راه‌های خنده‌دار نجات از مرگ بود تا بتواند از پیش‌گویی پایان جهان نوسترآدموس فرار کند و زنده بماند، خطبه‌ی نماز جمعه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای بهار عربی را در خاور میانه آغاز کرد و نه تنها بیداری و ظلم ستیزی را در دل ملت عرب یمن و بحرین، آنچه در روزهایی که تصور میشد پایان دنیاست، بیدار کرد، بلکه قبل از آن در خطبه‌ی نماز جمعه‌ی ۱۹۹۱، با تابو شکنی پیوند اخوت و همبستگی بین عرب و عجم ایجاد کرده بود تا از بیداری اسلامی ایرانی قدمی دیگر به سوی بیداری اسلامی جهانی برداریم. قدمی بزرگ که نوید آینده‌ای پر از زیبایی‌های عصر ظهور را میداد، قدمی که نشان میداد دنیا، زیبا به پایان میرسد نه آنگونه که جهانیان در تکاپوی فرار از منهدم شدنش هستند.

کند. حال که در باران فتنه‌های آخرالزمان، نیروهای انقلابی خسته‌ی دفاع از عقاید و آرمان‌هایی بودند که در این دو هفته به نبردی سخت در فضای مجازی و یا حتی در جمع‌های دوستانه یا خانوادگی میمانست، رهبر انقلاب به میان میدان آمده و با ایراد خطبه‌ای در نماز جمعه‌ی تهران در برابر چشم‌های دو میلیون نمازگزار در میان سرما و حتی برف و میلیون‌ها شنونده از سراسر ایران و جهان، جانی تازه به کالبد نیروهای خسته‌ی انقلابی تزریق کرد تا بدانیم اگر در راه حاج قاسم سلیمانی جلوی گلوله‌ی تفنگ‌ها بایستیم و جان دهیم و یا اگر در راه سردار حاجی زاده جلوی اتهامات سقوط هواپیمای اکرایی بایستیم و آبرو دهیم، هیچ یک پوچ نیست؛ چرا که ان‌الله معنا،

حال پس از هشت سال، رهبر انقلاب، جان بخشی دوباره‌ای به ملت آزادی‌خواه ایران و جهان انجام دادند. گویا وقت برداشتن قدمی دیگر رسیده...

در طی دو هفته‌ی گذشته اتفاقاتی پیش آمده که در هر کتاب تاریخی نوشته‌شود، ماهیت آن را به داستان افسانه‌ای تغییر میدهد چرا که شاید سالها بعد کمتر کسی آنها را باور

چرا که اراده‌ی الهی بر پیروزی این ملت است؛ و نه تنها امروز بلکه در آینده‌ای نه چندان دور، ثمره‌ی صبر و قدرشناسی خود را از روزهای تاریخ‌سازی همچون تشییع سردار دلها یا منهدم کردن پایگاه عین‌الاسد و یا حتی حضور پر شور مردم در نماز جمعه‌ی تهران را میبینیم. مگر میشود دست خدا در کاری باشد و نتیجه ندهد؟ اما چه شده است که رهبر انقلاب پس از هشت سال لازم دانسته در نماز جمعه حضور پیدا کند و نفسی به نیروهای عاشقش دهد؟

همه چیز از نیمه شبی آغاز شد که دولت بی‌آبروی آمریکا و انگلیس با هدف قرار دادن بزدلانه‌ی سردار دلها، قلب عالم امکان، آقا امام حسین(ع)، را به درد آوردند. گویا از لحظه‌ای که ارواح مطهر سردار سلیمانی و ابومهدی مهندس در آغوش امام حسین جای گرفتند، مکتبی قدرتمند در خاورمیانه و حتی بقیه نقاط جهان تاسیس شد و آنچنان داغ جنایات آمریکا و انگلیس را در دل ما تازه کرد که حتی با سیلی ایران به عین‌الاسد که ضربه‌ای بود بر هیبت ابر قدرت نمای بزرگ جهان، آرام‌نگرفتیم و همچنان خواهان انتقام سخت هستیم تا زمانی که نه تنها دست آمریکا از خاورمیانه برچیده شود بلکه تا پایان آن یعنی زمانی که کاخ سفید حسینی، پنتاگون منهدم و اسرائیل نابود شود. چرا که سپاه قدس دیگر محدود به ایران و یا خاورمیانه نیست، زمین پس رزمندگان بدون مرز ما را هر کجا که سر بچرخانید خواهید دید و کاپوس روزها و شب‌هاش خواهند شد.

رفراندومی که در روزهای تشییع سردار سلیمانی و ابومهدی مهندس در کف خیابان‌های ایران انجام شد، چنان برق از سر رفراندوم خواهان پراند که با بیچارگی به فکر توجیه و یا حتی سانسور این حضور پر شور و عاشقانه مردم ایران بودند. چنانکه گویی کودکی خردسال سعی در تمیز کردن خرابکاری خود دارد.

وقتی تهاجم هیبریدی آمریکا توانست هواپیمای اکرایی را در خاک ایران و به وسیله‌ی موشک‌های ایران منفجر کند، دانستیم که نه تنها آن چند صد نفری که به دنبال بهانه‌ای بودند تا عقده‌های خود را از حضور میلیونی مردم در تشییع سردار، خالی کنند؛ ایرانی نیستند. بلکه آنانی که فریاد سر میدادند: نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران، نیز نه تنها ایرانی نیستند بلکه حاضر نیستند از اندکی از آسایش زندگی مرفه و مزدورانه‌ی خود برای ایران بکاهند. از آن پس بیش از پیش مطمئن شدیم که کسانی که پای میز مذاکره، در موضع ضعف، با جنتلمن‌های قاتلی که در موضع قدرت هستند مینشینند، خود نیز قاتلانی در لباس روحانیت هستند. گویا دو سر میز مذاکره یک نفر نشسته...

در آخر دانستیم علم و فناوری باید از دستان مغرب دولت و نیروهای پشت پرده‌ی دشمن نجات پیدا کند و توان جولان داشته باشد تا بتوانیم به وسیله‌ی آن با خودسازی کشور اقتصاد و رفاه مردم ایران را فراهم کنیم. قوی شویم تا دلک‌های آمریکایی دروغگو به نیت فرو کردن خنجر زهرآلود خود به قلب ملت ایران، ادعا نکنند کنار ایران هستیم و می‌خواهیم اقتصاد ایران را رشد دهیم.

حال که نیروهای انقلابی خسته‌ی دفاع از عقاید و آرمان‌هایی بودند که در این دو هفته به نبردی سخت میمانست؛ رهبر انقلاب به میدان آمد و با ایراد خطبه‌ای در نماز جمعه‌ی تهران در برابر دو میلیون نمازگزار و میلیون‌ها شنونده از سراسر ایران و جهان، جانی تازه به کالبد نیروهای خسته‌ی انقلابی تزریق کرد تا بدانیم اگر در راه حاج قاسم سلیمانی جلوی گلوله‌ی تفنگ‌ها بایستیم و جان دهیم و یا اگر در راه سردار حاجی زاده جلوی اتهامات سقوط هواپیمای اکرایی بایستیم و آبرو دهیم، هیچ یک پوچ نیست؛ چرا که ان‌الله معنا.

از درد لاعلاجی به خر میگن خانمباجی

بررسی دخل و خرج های یکساله در لایحه ای که قرار است اقتصاد کشور را مدیریت کند!

پیار سعیدی

مثلا باقی مانده درآمد نفتی دولت که باید به صندوق توسعه ملی واریز می شد، به عنوان بدهی دولت منظور شده و این خود شیوه جدیدی از استقراض است که در لایحه بودجه امسال شاهد آن هستیم.

در این جا ذکر این نکته ضروری است که فلسفه ایجاد صندوق توسعه ملی این بوده که محل ذخیره درآمدهای نفتی باشد، تا درآمد حاصل از فروش نفت به عنوان یک سرمایه ملی در مخارج جاری دولت وارد نشده و تبدیل به سرمایه ای مولد شود. اما این صندوق در سال های اخیر تبدیل به قلکی برای دولت‌ها شده تا کمبود منابع خود را از آن جبران کنند. موضوعی که در بودجه سال آینده وخیم تر نیز شده است.

همچنین دولت می توانست در ابتدا درآمد ها را واقعی و با توجه به شرایط تحریمی و رکود اقتصادی پیش بینی کند و سپس هزینه های خود را بر مبنای درآمد ها در نظر بگیرد. پیش‌بنهادی که هر ساله توسط کارشناسان مطرح می شود. اما دولت این کار را انجام نداده است. یا دولت می توانست در ابتدا عملکرد شرکت های دولتی را شفاف کند و سپس بر مبنای عملکرد برای آنها بودجه در نظر گیرد.

با توجه به آن چه تا به حال گفته شد؛ بودجه ۹۹ عملا یک نسخه رو نویسی شده از سنوات گذشته بوده؛ طبق معمول به هیچ وجه ناظر بر تحریم ها نوشته نشده و بدون هیچ راه حلی برای جبران کسری بودجه، بی مهابا استقراض و بدهی دولتی را افزایش می دهد.

بودجه کشور سال ها است که صرفا با وابستگی شدید به درآمد های منابع نفت و گاز در تقای تامین هزینه های کشور است. خروجی چنین بودجه های معیوبی چیزی جز اضمحلال تولید و بخش واقعی اقتصاد، فربه کردن بخش های نامولد و مبتنی بر رانت، رشد بیکاری، تضعیف ارزش پول ملی و... نبوده است. چالش بزرگ اقتصاد کشور کمبود منابع درآمدی برای دولت نیست. چنان چه اگر رانت های متنوعی که به بخش های دولتی و خصوصی داده می شود، کاهش پیدا کند و اخذ مالیات از صاحبان ثروت، منافع و درآمد های کلان در دستور کار دولت قرار گیرد، نه تنها مشکلات مالی دولت برطرف می شود، که بدون نیاز به استقراض، منابع مالی جدید هم ایجاد خواهد شد.

فراستان و بنگاه های دولتی و خصوصی، یارانه افزایش نرخ ارز می دهد. بنابراین سهم مالیات از شرکت های سود ده، دلالت و فراستان که می تواند یکی از منابع درآمد مهم دولت در شرایط کمبود بودجه و جلوگیری از استقراض بیشتر باشد، در لایحه بودجه امسال عملا رشدی نیافته است.

و اما در خصوص درآمد های حاصل از مالکیت دولت...

در لایحه بودجه سال ۹۹ فروش روزانه یک میلیون بشکه نفت پیشبینی شده که به نظر غیر واقعی است. همچنین سهم صندوق توسعه ملی از درآمد نفتی کاهش یافته است. این در حالی است که فروش نفت در سال قبل به طور میانگین روزانه کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه بوده. ضمن آن که در شرایط تحریمی و کاهش قیمت نفت و با توجه به این که دولت تاکنون در دور زدن تحریم ها، از جمله عرضه و فروش نفت در بورس، آنچنان موفق نبوده؛ حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان کسری از این ناحیه متوجه دولت خواهد شد، که این کسری فقط می تواند از طریق افزایش نرخ ارز حاصل شود. جدای از این که طبق برآورد کارشناسان، در صورت تامین آن از سیستم بانکی، فقط همین عامل می تواند حدود ۱۰ درصد به حجم نقدینگی در سال ۹۸ اضافه کند؛ این بدهی به این معنی است که بودجه دولت از جیب دولت های بعدی بسنشته شده و این دولت های بعدی هستند که مکلف به بازپرداخت بدهکاری های دولتند.

و کالا و خدمات، نسبت به لایحه مصوب سال قبل، کاهش، و در عوض مالیات بر درآمد ها، افزایش پیدا کرده است. مالیات مشاغل و مالیات بر ارزش افزوده نیز، جزء اقلام اصلی مالیات ها قرار گرفته. این در حالی است که سهم مالیات ثروت و مستغلات از کل درآمد های مالیاتی بسیار ناچیز است. در این جا ذکر این نکته ضروری است که به طور معمول اصلی ترین راه تامین مالی دولت ها، مالیات است. اما نسبت مالیات بر تولید ناخالص داخلی در ایران کمتر از نصف کشورهای پیشرفته است. علت اصلی این موضوع نیز پایه های مالیاتی ناقص، معافیت های مالیاتی بیسی دلیل (مثل معافیت‌هنرمندان، مناطق آزاد) و فرارهای مالیاتی گسترده است. یا بسیاری از مالیات های مرسوم در دنیا، چون مالیات بر عایدی سرمایه، ارزش افزوده زمین، زمین بایر، خانه های خالی، اجاره ساختمان و... در ایران دریافت نمی شود

در نتیجه بر خورد دوگانه دولت با حقوق بگیران و فراستان، بار مالیاتی به عهده کارمندان، کارگران، صاحبان مشاغل و صنایع کوچک و متوسط نهاده شده است. این در حالی است که با سقوط ارزش پول ملی، سقف معافیت مالی سالانه حقوق بگیران در بودجه امسال مانند سال گذشته است. از طرفی، دولت با افزایش غیر واقعی و دستوری نرخ ارز و افزایش قیمت ها و سقوط دستمزد ها، در اصل از مردم مالیات نامرئی تورمی می گیرد و به خودش و

بودجه ویتترین و آینه تمام عیار حکمرانی است که با عدد و رقم نشان می دهد حکومت چگونه بر مردم حکمرانی می کند. به قول معروف بودجه ات را نشان بده تا به شما بگویم چه طور کشور خود را اداره می کنید. لایحه بودجه به عنوان عملکرد مالی یکساله دولت، باید به گونه ای تنظیم شود که راه اصلاحات اقتصادی را باز کند و وضعیت معیشتی مردم را بهبود بخشد. اما در کمال تاسف شاهدیم که دولت لایحه ای را تقدیم مجلس کرده که نه تنها بهبود بخش وضعیت اقتصادی کشور نخواهد بود، بلکه خود به عنوان تکهای از پازل تحریمی عمل کرده و کشور را به ورطه سقوط میکشاند. این در حالی است که با توصیه ویژه سال گذشته رهبری در خصوص اصلاح ساختاری بودجه، کارشناسان اقتصادی راه های عملیاتی مختلفی را پیش پای دولت نهاندند. اما نه تنها هیچ کدام از آنها مورد توجه قرار نگرفته، که لایحه بودجه سال ۹۹ بسی ضعیف تر از سیاق پیشین خود تنظیم گردیده است.

برای مثال بر خلاف توصیه اکید عموم کارشناسان اقتصادی، سیاست دلار ۴۲۰۰ تومانی در سال بعد نیز کماکان ادامه خواهد داشت و ۱۰/۵ میلیارد دلار از پول فروش نفت صرف واردات با دلار ۴۲۰۰ تومانی خواهد شد. سیاستی که جدای از ایجاد مفسده اقتصادی و کمک به واردات و تضعیف تولید داخلی، ایجاد کسری بودجه حدودا ۳۰ هزار میلیارد تومانی را نیز به همراه خواهد داشت.

از مهمترین و اساسی ترین انتقادات وارد بر کلیت بودجه سال ۹۹ نوع برخورد دولت با کسب و تخصیص بودجه بوده که با پیش بینی های بلند پروازانه و غیر عملیاتی، نتیجه ای جز کسری بودجه به همراه خواهد داشت. البته کسری بودجه به خودی خود مشکل بزرگی نیست، ولی عدم تخمین درست آن، مشکلاتی اساسی به همراه خواهد داشت. ضمن آن که حجم بی برنامهگی و عدم تلاش برای تنظیم لایحه با کسری بودجه کمتر، به حدی است که گویا کسری بودجه برای دولت، اساسا مشکلی محسوب نشده!

در خصوص درآمد های مالیاتی، مالیات اشخاص حقوقی و همچنین مالیات بر واردات

لایحه بودجه به عنوان عملکرد مالی یکساله دولت، باید به

گونه‌های نوشته شود که راه اصلاحات اقتصادی را باز کند و

وضعیت معیشتی مردم را بهبود بخشد. اما در کمال تاسف

شاهدیم که دولت لایحه‌های را تقدیم مجلس کرده که نه تنها

بهبود بخش وضعیت اقتصادی کشور نخواهد بود، بلکه

خود به عنوان تکهای از پازل تحریمی عمل کرده و

کشور را به ورطه سقوط میکشاند. این در حالی

است که با توصیه ویژه سال گذشته رهبری در خصوص

اصلاح ساختاری بودجه، کارشناسان اقتصادی راه‌های عملیاتی

مختلفی را پیش پای دولت نهاندند. اما نه تنها هیچ کدام از آنها

مورد توجه قرار نگرفته، که لایحه بودجه سال ۹۹ بسی ضعیف تر

از سیاق پیشین خود تنظیم گردید

”

امپراطوری دروغ

قدرت رسانه در مدیریت قضاوت مردم پیرامون حوادث اخیر

مرضیه انبری



در بمباران خبری قرن بیست و یک اگر پس از هر گزاره خبری از خود سوال نپرسیم راهی برای بقا نخواهیم داشت.

سوالاتی از جنس حوادثی که روزها بر ما میگذرد!

در عین الاسد چه اتفاقی افتاد که آمریکا از اقدام به حمله به ۵۲ نقطه ایران و ترور رهبرانقلاب! منصرف شد؟ چرا مقام اول اجرایی کشور قبل از شروع حمله باید از هواپیمای مسافربری ایرانی که توسط ناو وینس آمریکا مورد حمله قرار گرفت صحبت کند؟ چرا ترامپ بلافاصله پس از سقوط هواپیمای اکرانی این واقعه را به پدافند هوایی سپاه پاسداران ارتباط داد و متحدان سیاسی آمریکا نیز بلافاصله این موضوع را تکرار کردند؟ چرا رئیس شورای عالی امنیت ملی یعنی رئیس جمهور در شرایط جنگی پروازهای عادی را لغو نکرد؟ چرا عزاداری برای قربانیان هواپیمای اوکراینی پنج روز بعد از سقوط آغاز شد؟ سفیر انگلستان میان دانشجویان معترض چه ماموریتی داشت که در مقابل دانشگاه پلی تکنیک بازداشت شد؟ چرا فرماندهی پدافند هوایی کشور در حالی که میتواند مقصران بزرگ تری را معرفی کند خود را مسئول تمام وقایع معرفی می کند و بار سیاسی را از دوش دولت بر می دارد؟ آیا سامانه پدافند هوایی که پهباد بدون سرنشین را از بار سرنشین تشخیص می دهد جز با حمله سایبری امکان رویت کروز بجای هواپیمای مسافربری را دارد؟ فرستادگان قطر پس از بیست سال در شرایط فعلی ایران چه هدفی از سفر به تهران دارند؟

سرعت حوادث مختلف این روزها در کشور قلم ها را از نگارش هر تحلیلی پیرامون وقایع عاجز می کند، قریب به سه هفته از شهادت سردار سلیمانی می گذرد، حمله ی سپاه پاسداران به پایگاه آمریکایی عین الاسد در عراق، سقوط هواپیمای اوکراینی ناشی از خطای پدافند هوایی سپاه، تجمع هایی که به بهانه ی عزاداری برای جانبازان سانه هوایی صورت گرفت، تهدید طرف اروپایی برجام به فعال کردن مکانیسم ماشه، رفت و آمد های دیپلماتیک در تهران و امامت رهبرانقلاب در نماز جمعه پس از حدود یک دهه تنها بخشی از رویداد هایی است که در کمتر از یک ماه در کشور رخ داده است و اذهان عمومی را در تحیر فرو برده است.

پیشتر در ویژه نامه ی شهادت سردار سلیمانی نوشتیم که برای نیل به یک تحلیل سیاسی کارآمد از دی ماه ۱۳۹۸ چاره ای جز صبر و گذر زمان نداریم اما آنچه بی پرده آشکار است اسارت جامعه ی ایرانی در امپراطوری دروغ است.

خسارتی در عین الاسد ندیده است، خبرنگاران CNN وارد پایگاه دو بیلیون دلاری ویران شده ی آمریکایی ها می روند و این روزها آمار صدها کشته و زخمی و ضربه مغزی شده ی آمریکایی ها تدریجا در زمان مطبوع صاحبان قدرت بدون هیچ شماتی منتشر میشود و ابایی از پخش تصاویر ویرانه های پایگاه عین الاسد ندارند!

بی تعارف باید بگوییم در میدان رسانه متحمل شکست سنگینی شده ایم، رسانه ای که بنا بود ابزار آگاهی عمومی باشد اما تبدیل به شیخ جهل شده است. اگر مردم ندانند وظیفه ی clear کردن آسمان کشور در شرایط جنگی به عهده ی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور است بدیهی است انتظار استعفا ی نظامیان را داشته باشند، اگر مردم از نقشه ی راه سپاه قدس در حفظ امنیت منطقه آگاهی نداشته باشند، بدیهی است که بجای نابودی پایگاه های آمریکایی و تکمیل محاصره ی رژیم صهیونیستی انتظار قتل عام سربازانی را داشته باشند که ارزش آن ها در حد گریه کردن پس از دستگیری در خلیج فارس است. امپراطوری دروغ یک عملیات ساده ولی تکراری را بارها و بارها انجام میدهد. این عملیات به اندازه ی ترک کردن نامتعارف نماز توسط رئیس جمهور ساده است اما قدرت به حاشیه راندن یک جمعه ی تاریخی را دارد! جمعه ای که کوتاه پیام آن شیپور نبرد و اراده در اردو کشی خیابانی اصحاب انقلابی داشت. برای تکمیل این پازل باید در انتظار حوادث آینده بود.

نقش می کند اما مردم جز نمایش رژه نیروهای مسلح اطلاعات دیگری درباره ی این مسئله در رسانه های پر بازدید در دسترس ندارند و در مواقع بحرانی چنین می شود که دیده شد، به خاطر تاخیر معقول سه روزه در اطلاع رسانی (در موارد مشابه در سایر کشور ها اطلاع رسانی حداقل یک هفته طول کشیده است) و انتشار نتایج تحقیقات نظامی پیرامون حادثه ی هواپیمای اوکراینی که همچنان ابهاماتی پیرامون آن وجود دارد عده ای اذعان به نابودی اعتماد عمومی می کنند. هر چند که اعتماد عمومی پیش از این هم بارها و بارها از هم گسیخته شده بود. و این در حالی است که طرف مقابل با در دست داشتن ابزار رسانه پس از قریب به ده روز از ادعای اینکه هیچ

الیوت آرنسون در کتاب روان شناسی اجتماعی خود بر این مسئله صحنه می گذارد که یک خبر اگر اول به دست مخاطب برسد و مخاطب بنا نباشد تصمیم فوری بگیرد، ماندگاری بیشتری نسبت به گفت و شنود های بعدی در ذهن او خواهد داشت.

امپراطوری دروغ استعاره از سیطره ی رسانه های خبری در عالم است که محتوایی جز آنچه ابر قدرت های عالم فرمان به تهیه ی آن دهند را برای مخاطب آماده نمی کند و پوشیده نیست که در نبرد با این امپراطوری انقلاب اسلامی ایران تا به امروز قافیله را باخته است. به روزهای گذشته برگردیم، چگونه ممکن است مردم اهمیت حمله به عین الاسد را درک کنند وقتی هیچ پیش زمینه ی فکری درباره ی کم و کیف پایگاه های آمریکایی در

منطقه ندارند یا چگونه ممکن است درباره ی حادثه ی هواپیما قضاوت درستی داشته باشند وقتی اطلاعاتی از تفاوت موشک با ضد هوایی و ...

ندارند. باید در نظر داشت در شرایط فعلی توان نظامی ایران بیش از هر چیز دیگری در حفظ ثبات کشور ایفای

بر کسی پوشیده نیست که ایران در نبرد با امپراطوری رسانه ای غرب تا به امروز قافیله را باخته است. در نتیجه در مواقع بحرانی چنین می شود که دیده شد. به خاطر تاخیر معقول سه روزه در اطلاع رسانی و انتشار نتایج تحقیقات نظامی پیرامون حادثه ی هواپیما، عده ای به نابودی اعتماد عمومی اذعان داشتند. این در حالی است که طرف مقابل پس از قریب به ده روز از ادعای اینکه هیچ خسارتی در عین الاسد ندیده است،

خبرنگاران CNN وارد پایگاه دو بیلیون دلاری ویران شده ی آمریکایی ها می شوند. این روزها آمار کشته و زخمی های آمریکایی تدریجا در زمان مطبوع صاحبان قدرت بدون هیچ شماتی منتشر میشود و حتی ابایی از پخش تصاویر ویرانه های عین الاسد ندارند!

تشویق به یک استعفای شوم

چه کسانی دولت را تشویق به استعفا می کنند

معصومه کریمی

عبدی در آن زمان از «خروج از حاکمیت» مشارکتی را نیز افشا میکند و می گوید: «در صورت تایید نشدن کامل این دولایحه، اصلاح طلبان از حاکمیت خارج خواهند شد؛ زیرا عمل کاری از دست آنها بر نخواهد آمد تا به مطالبات مردم پاسخ دهند. خروج از حاکمیت هم شامل استعفای دسته جمعی رئیس جمهوری و نمایندگی مجلس ششم است.» به نظر می آید که اصلاح طلبان در مواقعی که پاسخی به افکار عمومی در انتظار پاسخگویی یک مقام مسئول ندارند، از این تاکتیک استفاده میکنند. چه بسا که در دولت دوازدهم هم از سوی برخی از وزرای روحانی شاهد این فرار از پاسخگویی بودیم و از سال ۹۶ تا کنون ۵ وزیر از مسئولیت خود استعفا کرده اند. استعفای برخی از آنها درست چند روز قبل از برگزاری استیضاح آنها در مجلس اتفاق افتاد.



مطرح شدن موضوع استعفا اگر هم سودی برای دولت اصلاحات نداشته باشد، برای مدتی افکار عمومی را مشغول به خود کرده و از پرداختن به مطالبات اصلی باز میدارد.

رهبر انقلاب هم در تابستان گذشته در رابطه با مطرح شدن این موضوع گفتند: «بعضی جوری حرف میزنند، جوری اقدام میکنند که به اسم این که میخواهیم اوضاع را درست کنیم، در نقشه دشمن کار میکنند، خودشان ملتفت نیستند. این هابی که خطاب می کنند به دولت که بایستی دولت برکنار بشود و از این قبیل حرفها، این ها دارند در نقشه دشمن کار میکنند. نخیر؛ دولت باید باقوت سرکارمانند، کارها را انجام بدهد.»

در نهایت با مطرح شدن مجدد احتمال استعفای روحانی باید در نظر داشت جامعه در حال حاضر ظرفیت سیاسی برگزاری انتخابات خارج از برنامه و زود هنگام را ندارد و خالی شدن صندلی رئیس دولت جز ریختن آب در آسیاب دشمن نیست.

بحرانی جنگ و وضعیت نابسامان در مجلس ششم بود که هم زمان با ارسال دولایحه جنجالی به مجلس، عباس عبدی که در حال حاضر هم پیشنهاد استعفای رئیس جمهور را مطرح میکند، رد این لویح از سوی شورای نگهبان را عامل فروپاشی نظام جمهوری اسلامی دانست و تهدید کرد: «بقای نظام در گرو تصویب و تایید لویح تبیین اختیارات رئیس جمهوری و اصلاح قانون انتخابات است. جز تصویب و تایید این

یادداشتی نوشت که نمای دیگری از این سناریوی سیاسی را ارائه می داد. محمد جواد روح نوشت: آقای روحانی در یزد از کسری بودجه گفت و بعد از مدت ها به یاد آقای خاتمی افتاد و یک سلامی هم به او کرد و یک سری حملات به رئیسی و تندرو ها انجام داد. همین روش را در کرمان به شکل دیگری ادامه داد. مهمتر از همه این ها اعلام کرد که به توافقات پشت پرده هم پایبند است؛ همه اینها، یعنی روحانی می خواهد به

اصلاح طلبان که از ابتدای دولت یازدهم همواره حامی آن بودند، چندی است به استعفای رئیس جمهور فکر میکنند و یکی پس از دیگری پیشنهاد استعفای روحانی را مطرح میکنند. اما آیا به راستی استعفای رئیس جمهور راه حلی برای مشکلات کشور محسوب می شود یا مشکلی بر مشکلات دیگر می افزاید؟ هدف اصلاح طلبان از عنوان کردن استعفای روحانی و بی دولت کردن کشور آن هم در این شرایط نابسامان اقتصادی چیست؟ اصلاح طلبان از جمله عباس عبدی و عبد...انصاری، دلیل این پیشنهاد خود را دلسوزی برای حاکمیت و مردم عنوان میکنند و معتقدند که دولت بعد از اتفاقات آبان ماه حتی قادر به تصمیم گیری در مسائل عادی خویش هم نیست. بنابر این چطور میتوان انتظار داشت که برای مشکلات اساسی کشور تصمیم بگیرد؟

سعید حجاریان هم در اردیبهشت ماه سال جاری در یادداشتی با عنوان «اصلاح طلبی و مسأله بقا»، استدلالی شبیه به توجیه عباس عبدی را مطرح کرد و با مضر دانستن آنچه شکاف در حاکمیت می دانست، نوشت: شاید تمهید «حاکمیت یگانه» و پایان دادن به این معضله از معبر استعفای رئیس جمهور و برگزاری همزمان دو انتخابات در اسفند ماه سال جاری بگذرد تا نتیجتاً، مجلس و دولتی همسو با روسای همسوتر بر مصدر امور قرار گیرند.

از طرفی سردبیر هفته نامه صدا در ۱۶ آذر ماه

به نظر می آید که اصلاح طلبان در مواقعی که پاسخی به افکار عمومی در انتظار پاسخگویی یک مقام مسئول ندارند، از این تاکتیک استفاده میکنند. چه بسا که در دولت دوازدهم هم از سوی برخی از وزرای روحانی شاهد این فرار از پاسخگویی بودیم و از سال ۹۶ تا کنون ۵ وزیر از مسئولیت خود استعفا کرده اند. استعفای برخی از آنها درست چند روز قبل از برگزاری استیضاح آنها در مجلس اتفاق افتاد. مطرح شدن موضوع استعفا اگر هم سودی برای دولت اصلاحات نداشته باشد، برای مدتی افکار عمومی را مشغول به خود کرده و از پرداختن به مطالبات اصلی باز میدارد. با مطرح شدن مجدد احتمال استعفای روحانی باید در نظر داشت جامعه در حال حاضر ظرفیت سیاسی برگزاری انتخابات خارج از برنامه و زود هنگام را ندارد و خالی شدن صندلی رئیس دولت جز ریختن آب در آسیاب دشمن نیست.

لویح، هر بر خورد دیگری که با آن ها صورت گیرد، نه تنها مشکلات نظام را حل نخواهد کرد بلکه ممکن است به فروپاشی نیز منجر شود.»

استعفا تاکتیکی است که از گذشته در دستور کار این حزب سیاسی بوده است. درست تیر ماه سال ۶۷ بود که میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت، در شرایط

هر قیمتی که شده دوباره مذاکره کند. وی افزود: در این جا بود که روحانی قمار کرد وقتی که دید چیزی در دستش ندارد، بنزین را گران کرد تا جامعه به شرایط اقتصادی واکنش دهد؛ فشار از پایین اتفاق بیفتد تا در بالا چانه زنی کنند که مذاکره انجام شود. اما با نیم نگاهی به کارنامه اصلاحات میتوان دریافت که

حواشی رد صلاحیت ها

بهار سعیدی



پروپاگاندای رسانه های اصلاح طلب برای مخدوش ساختن کارکرد هیات های نظارت، در شرایطی است که بسیاری از چهره های وابسته به جریان رقیب یعنی جریان به اصطلاح اصولگرایی، نتوانستند از فیلتر نظارت عبور کنند. غلامرضا کاتب، حسین نقوی حسینی، نادر قاضی پور و حمیدرضا حاجی بابایی، از جمله چهره های مطرح اصولگرایی بودند که رسانه ها از آنها به عنوان ردصلاحیت شدگان یاد کرده اند. در حالی که تعداد قابل توجهی از چهره های اصلاح طلب که در دولت روحانی نیز فرماندار، استاندار و معاون وزیر بودند، صلاحیتشان از سوی هیات های نظارت استان تأیید شده است.

در این بین فردی چون الیاس نادران در نامه ای از رئیس قوه قضائیه درخواست کرد دادستانی کل تحقیق درباره خطاهای مالی نمایندگان رد صلاحیت شده را آغاز کند.

پروپاگاندای رسانه های اصلاح طلب برای مخدوش ساختن کارکرد هیات های نظارت، در شرایطی است که بسیاری از چهره های وابسته به جریان رقیب یعنی جریان به اصطلاح اصولگرایی، نتوانستند از فیلتر نظارت عبور کنند.

غلامرضا کاتب، حسین نقوی حسینی، نادر قاضی پور و حمیدرضا حاجی بابایی، از جمله چهره های مطرح اصولگرایی بودند که رسانه ها از آنها به

عنوان ردصلاحیت شدگان یاد کرده اند. در حالی که تعداد قابل توجهی از چهره های اصلاح طلب که در دولت روحانی نیز فرماندار، استاندار و معاون وزیر بودند، صلاحیتشان از سوی هیات های نظارت استان تأیید شده است.

نتیجه گیری کردند که آنچه باید انتظارش را کشید، انتخاباتی است، درون گروهی، رقابتی میان طیفی خاص از اصولگرایان با خود. روزنامه اصلاح طلب «آرمان ملی» نیز در

گزارشی با عنوان «قلع و قمع اصلاح طلبان» به وضعیت صلاحیت نامزدهای انتخاباتی اصلاح طلب پرداخت و در خط اول یادداشت به صورتی مغرضانه نوشت:

«همانطور که پیشبینی میشد بخش زیادی از اصلاح طلبان رد صلاحیت شدند.»

عنوان «رویه باطل در بررسی صلاحیت ها» نوشت: شنیدیم به استناد بند ۲ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس، برای دوره یازدهم رد صلاحیت شده ام. بند ۲ که یکی از شرایط کاندیداها را بیان میکند میگوید: التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. هرچه فکر کردم کجا من التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی نداشته ام چیزی به خاطر نامد. برخی رسانه ها چون روزنامه اعتماد ملی در یادداشتی تعجب برانگیز ماهیت اصلی شورای نگهبان را زیر سوال برده و نوشتند: «همچنان اصل پرسش پابرجاست که شورای نگهبان چطور قادر به تشخیص کیفیت اخلاقی و مرامی است». برخی دیگر از این رسانه ها نیز اعلام کردند که در انتخابات پیشرو از میان نمایندگان فعلی لیست امید، تنها ۴۱ نفر جواز حضور یافته اند و این طور

در ساعات پایانی شنبه ۲۱ دی ماه کدخدایی در توییتر، اتمام خوان دوم بررسی صلاحیت کاندیدهای انتخابات مجلس را علنا اعلام کرد. در این بین رد صلاحیت ۹۰ نفر از نمایندگان مجلس فعلی که برای دور بعد نیز کاندید شده بودند، موجب حرف و حدیث های فراوانی شد. سخنگوی شورای نگهبان در برنامه گفت و گوی ویژه خبری شبکه دو پیشترین علت رد صلاحیت یک سوم از نمایندگان را جرائم و سواستفاده های مالی عنوان کرد. پس از این اطلاع رسانی کدخدایی، موجی از گمانه زنی ها درباره وضعیت صلاحیت داوطلبان منتشر شد. برخی رسانه ها و چهره ها با استقبال از این تصمیم، آن را گامی رو به جلو جهت ایجاد مجلسی کارآمدتر ارزیابی کردند. اما عده ای نیز حکم به فساد مالی بدون نظر قطعی دادگاه و طی مراحل دادرسی را امکان پذیر ندانستند و با تخریب وجهه هیات های نظارت، رد صلاحیت نامزدهای وابسته به خود را بزرگنمایی کردند. فی المثل جریان اصلاح طلب گستره کمی و کیفی رد صلاحیت نامزدها را بی سابقه و بهت آور قلمداد کرد و با بیان این که حتی در مجلس ششم نیز شاهد این حجم از رد صلاحیت ها نبودیم، مواجبه شورای نگهبان در برخورد با صلاحیت کاندیداها را چون گذشته، مواجبه ای سلیقه ای خواند. اصلاح طلبان طبق سیاق همیشگی با طرح این مسئله که شورای نگهبان در برخورد با اندیشه اصلاح طلبی به دور از انصاف عمل می کند، دلیل رد صلاحیت ها را زیر سوال بردند. علی مطهری در یادداشتی با

شکست اصلاح طلبانه

مهدیه دیداری

نشانه های پذیرفتن شکست در انتخابات از جانب اصلاح طلبان این است که مانع شرکت محمدرضا عارف در انتخابات شدند. کسی در ادوار قبل سر لیست داوطلبان اصلاحات بوده است. گذشته از اینها بماند که جریان اصلاحات گاهی پا را فراتر از گلیم خود بردند و اهانتی هم از سوی برخی بی خردان صورت گرفته است، مردم ایران همیشه عادت دارند درویی ها و نفاق افکنی ها را ندیده بگیرند، تنها بخاطر وطن. در هر حال اصلاح طلبان با اقدامات اخیر خود جایی برای تامل نگذاشتند و حتی می توان گمان هایی را در خصوص سرنوشت اصلاحات در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ پیش بینی کرد. اصلاح طلبان، سال های سال باید تلاش کنند تا آثار عملکرد های نادرست، تصمیم های نا به جا، سخنان بی جا و سر پوش گذاشتن های خود را جبران کند تا شاید بتوانند نگرش مردم نسبت به خود را از نفرت نجات دهند. حتی اگر که در بازسازی تاریخ و عملکرد خود مهارت خاصی داشته باشند!

حتی یک نفر هم حرفی از عدم شرکت و تحریم نزنده است! با این تفاسیر مشخص نیست که اصلاح طلبان مایل به شرکت در انتخابات هستند یا خیر؟ بدیهی است که اگر در انتخابات شرکت نکنند رسماً برگ برنده را به دست حریفشان دادند. محمدرضا تاجیک از تئوریسین های اصلاح طلب، در باره ی عملکرد دولت در دستشان بود، اصلاحات را فراموش کردند و فقط از آن به عنوان ابزار استفاده کردند. جز تفکر اصلاح طلبی از مردم هم به عنوان یک ابزار و راهی برای عبور از بحران استفاده کردند؛ این سخنان نشان از کاهش محبوبیت آنان بین توده مردم دارد. به طور کلی دولت اصلاحات با بی کفایتی، عدم مدیریت صحیح، افزایش ناامیدی بین مردم و در نهایت ایجاد مشکلاتی اضافه بر سازمان، باعث از بین رفتن محبوبیت اصلاحات شد. یکی از بزرگترین

حجاریان و نیوی امیدوی به ورود به کارزار انتخابات ندارند و ایده ی تحریم انتخابات را ارائه داده اند. حرف و حدیث های اصلاح طلبان موجب شد تا شورای نگهبان نکاتی را گوشزد کند؛ اینکه اولاً ملاک شورای نگهبان قانون است و دوماً، از پیشنهادات و راهکار ها از هر حزب و جناحی استقبال می شود ولی حرف های من باب باج خواهی به هیچ وجه شنیده نمی شود.

البته رئیس دولت اصلاحات خود گفت که نباید انتخابات تحریم شود و مردم و اصلاح طلبان باید بخاطر کشور هم شده پای صندوق های رای بیایند تا جلوی خطر اصلی گرفته شود. شورای روحانیون مبارز هم تأکید کردند که حتماً در انتخابات مشارکت خواهند کرد و

عبدالحسین موسوی لاری وزیر کشور دولت اصلاحات از هم حزبی هایش گرفته تا غیر شکایت دارد. از شخصی چون کراسچی که روند سقوطی منجر به باختشان در انتخابات را در پیش گرفته است هم می نالد. از افراد خارج از جریان اصلاح طلبی که همه جوهره در پی آنند تا این جریان را از بین ببرند هم شاکیسست. به اصلاح طلبانی که برای انتخابات تنها به حرف خود متکی هستند هم نقد دارد. ولی همچنان رگه های امید در سخنان او وجود دارد. به هر حال در این چند سال اصلاح طلبان نتوانستند عملکرد خوبی از خود به نمایش بگذارند و همین مسئله موجب شده تا با چند گزینه برای شرکت در انتخابات رو به رو شوند: تحریم انتخابات، حضور حتمی و حضور شرطی. برخی از جمله

رزمایش مشترک

بررسی ابعاد مختلف رزمایش مرکب در سواحل مکران

فاطمه عزیزادینا

رزمایش مشترک ایران، روسیه و چین از روز گذشته در آب های شمال اقیانوس هند شروع شد. این رزمایش به نوبه خود از اهمیت بالایی برخوردار است و هر سه طرف این رزمایش میخواهند نگاه، پیام و حرف خود را به طرف های منطقه ای و بین المللی ارسال کنند.

ایران به عنوان مهمترین، پرجمیت ترین، بزرگترین و در عین حال قدرتمندترین کشور منطقه بر اساس فاکتورهای قدرت، در طول ۴ دهه گذشته زیر بار بیشترین فشارهای چند گانه توسط کشورهای غربی قرار داشته تا از فاکتورهای قدرت پایین کشیده شود. با این حال، مقامات در تهران با هوشمندی توانسته اند تهدیدها را تبدیل به فرصت کرده و امروز ایران را به حدی از توانایی در تولید محتوای قدرت برسانند که با وجود همه فشارهای موجود در طول این چهار دهه، کسبی فکر تجاوز نظامی به سرش نزنند.

آنهایی که الفبای سیاست را میدانند به خوبی آگاه هستند که غربی ها (شامل اروپا و آمریکا) در پشت هر تحریمی که در طول یک قرن گذشته علیه کشورهای دیگر داشته اند، به فکر حمله نظامی پس از آن هم بوده اند، جز آنکه این کشورها فاکتورهایی از قدرت را در اختیار داشته باشند که مانع از این مساله باشند. شاید کشورهای کره شمالی و کوبا را بتوان از معدود کشورهای پرشمرده آمریکا موفق به حمله به آنجا نشده است. اولی بمب اتم و توانایی موشکی ویران کننده داشته و دومی نیز بارها آمریکایی ها سرنگونی آن را امتحان کرده اند، اما توفیقی نداشته اند.

سیاست اعمالی علیه ایران نیز در این چارچوب میگنجد. آمریکایی ها ترکیبی از تجربه ژاپن و عراق را علیه ایران به کار بردند تا با ایران خطای محاسباتی کند و به آمریکایی ها حمله کرده یا اینکه بر اثر تحریم ها به چنان بحرانی دچار شود که با حمله نظامی فوراً ساقط شود. اما هر دوی این مسائل روی نداد و در طول سال ۱۳۹۸ جمهوری اسلامی ایران با نشان دادن قدرت نظامی خود به آمریکایی ها و همچنین پایداری اقتصادی در بحث تحریم ها تحسین کشورهای مختلف را برانگیخت.

روسیه و چین که پس از سرنگونی پهباد پیشرفته آمریکایی و انهدام تاسیسات نفتی سعودی ها، نگاهشان به صورت کلی به ایران عوض شده و با درک قدرت روزافزون ایران

خواستار همکاری و تعامل نظامی بیشتر با تهران شده بودند. قدرت همواره احترام می آورد و آنچه به عنوان رزمایش مرکب در شمال اقیانوس هند در حال برگزاری است، دقیقاً ناشی از درک مسکو و پکن از جایگاه ایران در منطقه و قدرت کشورمان برای اثرگذاری طولانی مدت و پایدار بر رویدادهای مختلف است. در طول روزهای گذشته کارشناسان بسیاری در مورد اهمیت، جایگاه و پیامدهای رزمایش در حال برگزاری میان سه کشور نوشته اند. اینکه هر سه طرف دنبال دستیابی به اهداف خود در این رزمایش بوده شکی نیست، اما این واقعیت انکارناپذیری است که چینی ها بخش مهمی از امنیت اقتصادی و به تبع آن امنیت شغلی و اجتماعی خود را در مسیرهای انرژی می بینند. تلاش آمریکایی ها برای محاصره چینی ها یک سمت ماجرا است و رفتار هندی ها جهت استفاده از موقعیت جغرافیایی خود برای به حاشیه بردن چینی ها، نکته دیگری است.

چینی ها هر چند از رهگذر پاکستان تلاش دارند تا حضور نزدیکی در تعاملات شما اقیانوس هند داشته باشند، اما رقابت پاکستان و هند از یک سو و رقابت چین و هند از سوی دیگر به همراه کشش عجیب بسیاری پیچیده باشد. پاکستان در هر وضعیت جنگی حتی از عهده اداره کردن مردم خودش هم بر نمی آید و در سیاست خارجی خود به شدت به متحدان آمریکا مانند امارات و عربستان وابسته است و به همین دلیل متحد قابل اطمینانی برای پکن محسوب نمی شود چرا که در روز واقعه ممکن است میدان را خالی کند. درست مانند نشست کوالالامپور که نخست وزیر پاکستان تحت فشار سعودی ها به این نشست نرفت. چینی ها البته روابط گستردهای هم با امارات و سعودی دارند، با این حال در حوزه راهبردی این دو کشور متحد آمریکا به شمار رفته و اگر حادثه ای روی دهد، بدون شک سعودی ها جانب آمریکا را خواهند گرفت، حتی ممکن است روند صادرات نفت به چین هم مختلف شود. جای پرداختن به برخی مسائل در این موجز

نیست، اما روس ها نیز اهداف کلانی در این حوزه دارند.

هند هر چند هنوز هم روابط گسترده ای با روسیه دارد، اما سال هاست در حال تنوع بخشیدن به دوستان خود است و در مسکو این مساله به خوبی درک شده است. روس ها می دانند که هندی ها در فضای متفاوتی سیر کرده و حالا می خواهند بخشی از توان راهبردی خود با چین را درست در جایی که آمریکا حضور قابل توجهی دارد، به نمایش بگذارند. در مورد دلایل حضور هر یک از طرفین در این رزمایش میشود کلی مطلب نوشت و شما با یک جستجوی ساده در میان خبرها با انبوهی از تحلیل ها در این زمینه مواجه خواهید شد، تحلیل هایی که شاید برخی از آنها به ذهن برگزار کنندگان هم نرسد. مقامات سه کشور تصمیم به برگزاری یک رزمایش چهار روزه گرفته اند، وقتی این تصمیم گرفته شده هیچ کدام با خود حساب و کتاب ابعاد و اهداف را نکرده اند، بلکه مهم برای آنها ارزش راهبردی این رزمایش و اثر آن بر روابط سه جانبه است. توجه داشته باشید که این رزمایش را سه کشور عضو و ناظر پیمان شانگ های برگزار میکنند! پیمانی که در بدو تولد با عنوان «امنیتی» تشکیل شده است.

امنیت آب ها و سواحل ایران برای چین و روسیه جهت گسترش تجارت چند جانبه با شرکای فرامنطقه ای آنها از اهمیت به سزایی برخوردار است. روس ها دوست دارند از طریق بنادر ایران با کشورهای

حوزه خلیج فارس، هند و پاکستان ارتباط داشته باشند و همین اهمیت برای طرف چینی نیز وجود دارد، کما اینکه هندی ها نیز دنبال همین مساله هستند. اگر به این بعد آن بپردازیم، شاید در وهله اول نقیض مطلب گفته شده در بالا به ذهن متبادر شود، اما اگر سال دیگر این رزمایش برگزار شد و هند و پاکستان هم به آن پیوستند، زیاد تعجب نکنید!! اما مساله بعد این است که ایران و روسیه سابقه همکاری نظامی و امنیتی سنگینی در طول هشت سال گذشته داشته و این تجربه از روی زمین به سادگی می تواند روی آب هم بیاید. دو طرف در سوریه و حتی عراق در قالب اتاق های عملیات مختلف برای مبارزه با تروریسم رفتاری «متحدگونه» داشته و در سوره ما بارها از عنوان «متحدین» برای ائتلاف ایران، روسیه، سوریه و حزب الله بهره گرفتیم و عبارت کاملاً موفقی هم بود. حتی چین هم در برخی مسائل با این اتاق های عملیات همکاری نزدیک داشت. حالا شما می خواهید برگزاری این رزمایش را از هدر در پیچه ای که نگاه کنید، از افق دید آمریکا، اروپا و متحدان منطقه ای آنها، این رزمایش زنگ خطری خواهد بود که در آینده پای چینی ها و روس ها بیش از پیش به آب های خلیج فارس و تنگه هرمز باز می شود. کشورهای چینی که نه در چارچوب برنامه امنیتی آمریکا، که در راستای منافع ملی خود و در همکاری نزدیک با قدرت برتر منطقه این حضور را تجربه میکنند.

دو طرف در سوریه و حتی عراق در قالب اتاق های عملیات مختلف برای مبارزه با تروریسم رفتاری «متحدگونه» داشته و در سوریه ما بارها از عنوان «متحدین» برای ائتلاف ایران، روسیه، سوریه و حزب الله بهره گرفتیم و عبارت کاملاً موفقی هم بود.

حتی چین هم در برخی مسائل با این اتاق های عملیات همکاری نزدیک داشت. حالا شما می خواهید برگزاری این رزمایش را از هر دریچه ای که نگاه کنید، از افق دید آمریکا، اروپا و متحدان منطقه ای آنها، این رزمایش زنگ خطری خواهد بود که در آینده پای چینی ها و روس ها بیش از پیش به آب های خلیج فارس و تنگه هرمز باز می شود. کشورهای چینی که نه در چارچوب برنامه امنیتی آمریکا، که در راستای منافع ملی خود و در همکاری نزدیک با قدرت برتر منطقه این حضور را تجربه میکنند.

تعیین سر نوشت

تحلیلی در خصوص دلسردی برخی آحاد جامعه از شرکت در انتخابات

پریسا تیموری



امام بالاترین مقام در کشور است را فراموش کنند و همین امیر سبب شده است که اکنون و در آستانه ی انتخابات یازدهمین مجلس شورای اسلامی فضای رخوت و ناامیدی جهت شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در میان مردم به وجود بیاید. این در حالیست که مجلس نماد اصلی مردم سالاری دینی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش است. مجلس مرکز اساسی و تعیین کننده امور است و همه سررشته های امور، به مجلس شورای اسلامی بر میگردد.

مجلس تأمین کننده ی منافع عمومی مردم است. مجلس حافظ امنیت کشور و سد مستحکمی در برابر تعرض و طمع ورزی های دشمن است. و به قول پیر جماران: «مجلس در رأس همه ی ارگان ها واقع است و مجلس، ملتی است که متبلور شده است و تحقق پیدا کرده است در یک جای مطلوب». این است جایگاه اصلی مجلس شورای اسلامی.

شاید عملکرد نمایندگان مجلس در دوره های اخیر سبب شده که مجلس فعلی فاصله ی زیادی تا جایگاه اصلی اش دارد اما این را فراموش نکنیم این خود ما هستیم که با رای دادن بدون شناخت از افراد و اعتماد بی جا به برخی و لیستی رای دادن نمایندگان را راهی مجلس می کنیم. و چه خوب وعده داده است پروردگار...

ان الله لا یغیر ما یقوم حتی ینفسهم

اخیر کشور مانند گرانی در تصمیمات ایشان و... سبب شده است که به بنزین، مردم ناامید از نمایندگان سلفی بگیر، راه اصلی رساندن ناراضیاتی خویش به این مسئله را فراموش کرده و دست به تجمع و اعتراض زدند. فاصله ی زیاد حرف تا عمل نمایندگان مجلس، عدم صداقت ایشان با مردم، عدم در رأس نبودن مردم به تدریج از نمایندگان خویش که وظیفه ی اصلیشان احقاق حقوق مردم و

دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. این در حالیست که اکنون قریب به ۹۰ نفر از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی عمدتاً به دلیل فساد مالی رد صلاحیت شده اند! در ۴ سال اخیر اتفاقات زیادی در کشور از بروز حوادث تلخ و ناگوار به دلیل اهمال کاری مسئولین که منجر به کشته شدن هموطنانمان

سال ۹۴ اولین دوره ی مشارکت در انتخابات بود. پس از اتمام دوره ی دوم ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد و شکست جبهه ی اصولگرا به علت ناکارآمدی رئیس جمهوری که با حمایت این جریان به میدان آمده بود افکار عمومی مخصّصاً در شهر تهران عملاً از جبهه ی اصولگرا نا امید شده و برای انتخابات مجلس شورای اسلامی به لیستی که این جریان معرفی کرده بود نه گفتند!

تحت تأثیر فضایی که جبهه ی اصلاح طلب از انتخابات سال ۹۲ به وجود آورده و عملاً نزد افکار عمومی فضای سیاسی کشور را به نفع خود پیش برده بود، عموم مردم تحت تأثیر این فضا و با امید به بهبود وضعیت عمومی کشور با تکرار لیست امید، کاندیداها را راهی مجلس شورای اسلامی کردند.

اما اکنون، بعد از گذشت تقریباً ۴ سال از مسئولیت نمایندگان مجلس کارنامه ی ایشان خالی تر از آن است که بتوانند از آن دفاع کنند! امام خمینی (ره) خطاب به نمایندگان مجلس فرمود: اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح های پیشرفته ی آنان و شیاطین و توطئه های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت

پس از اتمام دوره ی دوم ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد و به علت ناکارآمدی رئیس جمهوری که با حمایت جریان اصولگرا روی کار آمده بود، افکار عمومی مخصوصاً در شهر تهران عملاً از جبهه ی اصولگرا نا امید شده و برای انتخابات مجلس شورای اسلامی به لیستی که این جریان معرفی کرده بود نه گفتند. تحت تأثیر فضایی که جبهه ی اصلاح طلب به وجود آورده و نزد افکار عمومی، فضای سیاسی کشور را به نفع خود پیش برده بود، مردم با امید به بهبود وضعیت عمومی کشور لیست امید را تکرار کردند. اما اکنون، بعد از گذشت تقریباً ۴ سال از مسئولیت نمایندگان مجلس کارنامه ی ایشان خالی تر از آن است که بتوانند از آن دفاع کنند!

مستضعفین است، ناامید شده و رفته رفته جایگاه مجلس شورای اسلامی که از دیدگاه

مصلحت مردم و کشور بوده ایم که در هر دو صورت صواب نیست تا جایی که در حوادث

شد تا تصویب طرح ها و لوایح مختلف از قبیل سند ۲۰۳۰، اف ای تی اف، شفافیت آراء و... رخ داد که در اکثریت این موارد شاهد انفعالی نمایندگان و یا تصمیم گیری ایشان بدون احاطه به موضوع و یا در جهت منافع جریان حامی خویش، خلاف

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjomanalzahra

@anjoman_eslami_alzahra

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

۰۹۲۰۳۵۴۶۸۹۱

منتظر انتقادات و پیشنهادات شما هستیم

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: بهار سعیدی

سردبیر: مرضیه انبری

هیئت تحریریه: مرضیه انبری، شکوفه الهی نیا، پریسا تیموری، فاطمه علیزادینیا

معمومه کریمی، بهار سعیدی، مهدیه دیداری

طراح و صفحه آرا: بهار سعیدی